



نظام حقوقی عادلانه و تأثیر آن بر تحقق حکمرانی سیاسی

حسن عزیزی^۱

۳۴

چکیده

از آنجایی که عدالت با عنوان اساسی ترین محور یک جامعه سالم و پویا می باشد باید هر چه بیشتر در همه سطوح جامعه و از جمله در نهادهای قضایی، قانونی و اجرایی کاملاً اعمال گردد. اگر مبنای اجرای عدالت در نظام حقوقی و قضائی کشورمان را مبتنی بر ایجاد تغییر و تحولات عمیق در رویکرد حاکمیت و دولت تعبیر و تفسیر کنیم، بهتر می توان تأثیر عدالت ورزی و شاخص های آن را بر تحقق حکمرانی مطلوب تبیین و تحلیل کرد. از اهداف پژوهش حاضر این است که بدون عدالت ورزی و جوانب تأثیرگذار آن، تحقق الگوهای مناسب حکمرانی با موانع و مشکلاتی همراه خواهد بود. در راستای پژوهش حاضر، پرسشی را که طرح شده این است که «چگونه بازشناسی زمینه های اجرای عدالت بر تحقق الگوی حکمرانی مطلوب تأثیر می گذارد؟» از این رو اهمیت تعهد و وجه التزام به اجرای عدالت، ضرورتاً باید الزاماتی را برای حاکمیت و قدرت سیاسی در جامعه ایجاد نماید. این پژوهش با بهره گیری از رویکرد اسنادی و مطالعات کتابخانه ای با راهبرد توصیفی - تحلیلی به پژوهش می پردازد.

کلیدواژه‌ها: نظام عادلانه، نظام حقوقی، وجه التزام، حکمرانی سیاسی، عدالت اجتماعی.

دوره ۹، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۲۶

صص: ۲۷۳-۲۸۶

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

علی رغم این که الگوها و طرح های متعددی برای پیشرفت و توسعه کشورمان ارائه شده، اما اکثر این الگوها به خاطر غیربومی بودن و عدم توجه دقیق به مسائل و مشکلات جامعه ایران با موانع و محدودیت هایی مواجه بوده اند. از آنجا که برای تحقق الگوی حکمرانی مطلوب و همچنین در زمینه های اجرای عدالت در نظام حقوقی، می توان مبتنی بر فلسفه توسعه، بر گسترش و ارتقاء کیفیت و افزایش توانمندی در زمینه های متعددی در بستر جامعه گام های اساسی برداشت. به نظر می رسد با نگاه به شرایط تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی کشورمان و با تکیه بر مفاهیم و الگوهای اسلامی و ارزش های ملی، زمینه های ارتقاء و توسعه الگوی حکمرانی مطلوب را فراهم نمود. در خصوص رابطه اجرای عدالت و الگوی حکمرانی خوب، ابتدا می توان با رویکرد هستی شناسی به عدالت مواجه شد. برخی دیدگاه ها بر این باورند که استواری جهان مبتنی بر عدالت بوده و در همه اجزای هستی جریان می یابد. از این رو نوع به هستی و جهان و پاسخ به برخی پرسش های بنیادین از این فهم و تفسیر از عدالت و جایگاه آن بسیار حایز اهمیت است. قابل درک و فهم بودن اصل و جوهره عدالت با فطرت بشری و عقل سلیم و تبیین ارزش مدارانه داشتن از فلسفه ی عدالت، تعاریف و دیدگاه های متنوع و متعددی در باب عدالت را شکل داده است.

در رویکرد اسلام به عدالت چنین است که «اسلام مکتب عدل و اعتدال است. راه مستقیم است و امت اسلام که امت میانه و وسط است، نظام آن عادلانه است. هدف اسلام پرداختن به یک قسم از عدالت نمی باشد و از نظر اسلام کمال انسانی و سعادت آدمی و وظیفه انسان، برقراری روابط کاملاً اصولی و مبتنی بر عدالت می باشد. عدل در اسلام ریشه در قرآن دارد که بذل عدل را در دل جامعه اسلامی پراکنده است؛ قرآن عدل در چهره های گوناگون آن را تکوینی و تبلیغی مطرح نموده است» (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۵). از این رو زیربنای تمامی اندیشه های سیاسی اسلام، عدالت می باشد. با عنایت به موضوع پژوهش حاضر، نسبت بین عدالت و اجرای صحیح آن و توسعه حکمرانی مطلوب ارتباط معنایی و مستقیم وجود دارد. رویکرد به الگوهای توسعه و الگوی حکمرانی خوب، بدون نگاه عادلانه و برابر میسر نخواهد شد. بنابراین عدالت اساساً شاخص و مقیاس مهمی برای تحقق حکمرانی مطلوب می باشد. امروزه حاکمیت با انتظارات جدید شهروندان و جوامع مواجه است و باید خدمات خوب و با کیفیت ارائه نماید. با وجود آن که برای حکمرانی

خوب، یک الگوی واحدی را نمی توان ارائه نمود، اما بعضی از ارکان اصلی حکمرانی مطلوب از بخش عمومی و در ارتباط با دولت و برقراری حاکمیت قانون و عدالت معنا می شود. داشتن نظام حقوقی شفاف و عادلانه، توزیع برابر فرصت ها، داشتن ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی عمومی و مثبت دولت از شاخص ها و معیارهای حکمرانی مطلوب به شمار می آید.

۲- اهداف و پرسش ها

اجرای عدالت در چارچوب نظام حقوقی و قضائی و وجه التزام به آن و با نگاه بازشناسی و استخراجی از منابع و قوانین اسلامی، می توان تبیین و تحقق حکمرانی مطلوب را به عنوان یک پیش فرض مد نظر داشت. با وجود این که اداره امور عمومی برای همه کشورها سیر تحولی پیچیده ای را طی کرده است؛ امروزه دولت ها این دغدغه را دارند که در چارچوب اصول حکمرانی مطلوب، مبتنی بر معیارها و استانداردهای لازم، منابع عمومی را اداره نمایند، از اهداف اصلی پژوهش حاضر ارائه دیدگاهی از بازشناسی زمینه های اجرای عدالت و وجه التزام به آن در راستای زمینه سازی و تحقق حکمرانی مطلوب است.

بر این اساس پرسش پژوهش حاضر این است که «چگونه بازشناسی زمینه های اجرای عدالت (در نظام حقوقی ایران) بر تحقق الگوی حکمرانی مطلوب تأثیر می گذارد»؟

۳- پیشینه پژوهش

در باب موضوع پژوهش حاضر مقالات و تحقیقات متفاوتی انجام گرفته است، در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

شهید مطهری (۱۳۸۳)، در کتاب «عدل الهی» تلاش نموده به ابعاد و جوانب گوناگون عدالت در اسلام اشاره نماید. تبیین عدالت خواهی از موضوعات اصلی این کتاب است. اخوان کاظمی (۱۳۸۱)، در کتاب «عدالت در نظام سیاسی اسلام» معتقد است در نظام سیاسی اسلام، معیار تشریح و قانونگذاری و ساختار سیاسی بر طبق عدالت است. سلیمی (۱۳۸۴)، در کتاب «راهکارهای تأمین عدالت» بر این باور است که جوامع انسانی در فرایند تکاملی خود، ناگزیر از رعایت عدالت بوده اند. نبوی (۱۳۹۳)، در اثر خود به نام «جایگاه و مبانی در راهبردهای عدالت اجتماعی و الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت» به راهبردهای مصداق عدالت در جامعه اشاره می کند. منصور (۱۳۸۵)، در کتاب «قانون اساسی» به اصول کلی قانون اساسی اشاره می کند. از جمله در فصل دوم با موضوع حقوق ملت اشاره دارد. عمید زنجانی (۱۳۷۳)، در کتاب «مبانی اندیشه های سیاسی در اسلام» به مباحث دین و سیاست، مسائل حقوق بشر و معاد و مباحث کلامی در اندیشه های سیاسی می پردازد. در خصوص پیشینه و ادبیات تحقیق در مورد حکمرانی، منابع داخلی و خارجی گوناگونی تألیف و ترجمه شده است که به برخی از این منابع اشاره می شود:

زاهدی و ابراهیم پور (۱۳۹۱)، در کتاب «حکمرانی مبتنی بر پایداری» به معرفی حوزه جدید نظری در رشته مدیریت های دولتی می پردازد. تدبیری و همکاران (۱۳۸۷)، در کتاب «نگرش نوین در مدیریت با تکیه بر حکمرانی مطلوب» پس از تبیین مباحث اندیشه های نوین مدیریت به تبیین مباحث حکمرانی اشاره کرده اند. امیراحمدی و همکاران (۱۳۹۷)، به دانش سیاسی و مدیریت در منظومه علوم حکمرانی اشاره کرده اند. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه» به ارائه الگوی کارآمد حکمرانی خوب اشاره می کند. یزدانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست گذاری عمومی» بر این باور است که پدیده حکمرانی به عنوان یکی از مباحث مبانی جدید پیش از هر چیز متوجه تمرکززدایی از قدرت است. با عنایت به ادبیات و پیشینه تحقیقات انجام شده در خصوص عدالت در نظام حقوقی و هم چنین مباحث حکمرانی که اشاره شد. تفاوت پژوهش حاضر در این است که با بازشناسی و شناخت بهتر و عمیق تر از وضعیت و جایگاه عدالت در راستای تحقق حکمرانی مطلوب پردازد. در پژوهش حاضر با شناخت دلالت های مفهومی و معنایی عدالت، چگونگی اصول راهنمای تصمیم گیری و اجرایی مبتنی بر عدالت تبیین می شود.

۴- چارچوب نظری

۴-۱- چستی عدالت

عدالت در لغت به معنای راستی (استقامت) و در شریعت به معنای راستی و در راه حق و دوری از مانع و برتری دادن عقل بر هواست. عدالت از این جهت که مصدر است، مترادف عدل

است، و عدل عبارت است از اعتدال، راستی و میل به حق و حد وسط بین دو طرف افراط و تفریط است (صلیبا، ۱۳۹۹: ۴۶۱)، در باب مفهوم عدالت، تعاریف و دیدگاه های متنوع و متعددی وجود دارد که توسط اندیشوران رشته های مختلف علوم اسلامی در گذشته و حال عرضه شده است. سخن آغازین افلاطون در کتاب جمهوریت مسئله عدل است (افلاطون، ۱۳۹۰). عدالت در نظر افلاطون عبارت از نوعی استعداد و تمایل درونی در انسان است که جلو احساسات و انگیزه های شدید وی را که طالب منافع خصوصی هستند، می گیرد و بشر را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفعش تمام می شوند ولی مورد نهی وجدانش هستند باز می دارد. از عقاید بنیانی افلاطون یکی این است که عدالت جزئی از فضایل انسانی است (طاهری، ۱۳۸۰: ۲۷)، عدل اگرچه مفهوم ارزشی است، در بستر هستی جریان دارد. عدل، مشترک معنوی و در همه اقسام آن به یک معناست، گرچه مصادیقی متفاوت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۲۰۰).

به عبارتی باید گفت که استواری جهان مبتنی بر عدل است، در ادبیات عدالت، دو نوع کلی برای عدالت ذکر شده است. یکی عدل تکوینی، به معنای آن است که خداوند در آفرینش و تدبیر هستی عادلانه رفتار کرده است. نوع دوم عدل تشریحی است، که شامل قانونگذاری عادلانه خواهد بود (سیدباقری، ۱۳۵۹: ۳۷). اما در خصوص رویکرد اسلام به عدالت چنین است که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در تمامی اندیشه های سیاسی اسلام عدالت است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را مشعل های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۳۱۱).

از این رو، نظام حقوقی اسلامی، نظام الهی است؛ چون منشأ و خاستگاه قواعد آن اراده خداوند متعال است.

۲-۴- حکمرانی مطلوب

حکمرانی مفهومی چالشی، ظریف و پیچیده است که نیازمند توضیح و تفسیر است، گرچه حکمرانی مفهومی مرتبط با حاکمیت و دولت است؛ اما مترادف با آنها نیست. در فرهنگ هریتیچ واژه حکمرانی «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکم راندن معنا شده است» و در فرهنگ سیاسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر زیردستان نظامی از قوانین و مقررات تعریف شده است» (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). گرچه واژه ی حکمرانی جدید است

و سابقه آن به سال های دهه ۱۹۸۰، باز می گردد، اما مفهوم حکمرانی جدید نیست و قدمتی به اندازه ی تمدن بشری دارد (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۴۹). حکمرانی خوب به عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی، نقطه ی تلاقی و تعامل بین رشته های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی، حقوق، سیاست گذاری عمومی و روابط بین الملل را ایجاد کرده است (صفریان، امام جمعه زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

یکی از مباحث مهمی که از دهه ۱۹۸۰ به بعد با هدف دست یابی به توسعه پایدار در ادبیات توسعه مطرح شده موضوع «حکمرانی خوب» است. حکمرانی خوب به عنوان روشی برای دست یابی به توسعه پایدار مورد توجه صندوق بین المللی پولی و سازمان تجارت جهان بود. حکمرانی خوب یا مطلوب از طریق رویکردهای مشارکتی و عدم تمرکز و در مواردی به وسیله ساخت دولتی متمرکز حاصل می شود (زاهدی، ابراهیم پور، ۱۳۹۱: ۱۴). از این رو حکمرانی مفهومی چالشی، ظریف و پیچیده است که نیازمند توضیح و تفسیر است. گرچه حکمرانی مفهومی مرتبط با حاکمیت و دولت است اما مترادف با آنها نیست (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). در الگوی حکمرانی مطلوب تأکید بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل گری و هماهنگی آن است. در حکمرانی خوب شراکت و تعامل بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی بسیار حایز اهمیت است.

۵- روش پژوهش

با توجه به اهداف و سؤال پژوهش، از میان روش های مناسب برای گردآوری داده ها، روش مورد نظر برای پژوهش حاضر، روش کیفی می باشد. مطالعات و روش های کیفی استراتژی های مدنظر در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها، در چارچوب روش کیفی بر فرآیند تدوین، تنظیم، شالوده ریزی و بیان مفاهیم مبتنی بر جمع آوری داده ها می باشد. در پژوهش حاضر با تبیین علمی برای کشف رابطه بین عوامل و پدیده ها و با رویکرد اسنادی و مطالعات کتابخانه ای، داده های موردنیاز را فراهم و پس از تجزیه و تحلیل با استفاده از راهبرد توصیفی - تحلیلی به پژوهش می پردازد.

۶- یافته های پژوهش

برای تبیین و بررسی موضوع و یافته های پژوهش، دوباره به سؤال اصلی تحقیق اشاره می شود که «چگونه بازشناسی زمینه های اجرای عدالت (در نظام حقوقی و قضایی ایران) بر تحقق الگوی حکمرانی مطلوب تأثیر می گذارد؟»

از این رو پژوهش بر این فرض استوار است که با بازشناسی و وجه التزام به اجرای عدالت در نظام حقوقی و قضائی کشور، تحقق حکمرانی مطلوب امکان پذیر می گردد.

۶-۱- نگاه کلی به عدالت ورزی در نظام اسلام

آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۳۱۱). قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره حدید هدف رسالت انبیاء را قیام بر قسط و عدل برشمرده و می فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط. همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات (به خلق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند» (حدید/ آیه ۲۵). در آیه ۸ سوره مائده فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید و دشمنی با جمعیتی شما را به گناه بی عدالتی نکشانند. با عدالت رفتار کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از خدا بترسید که از آنچه انجام دهید، آگاه است» (مائده/ آیه ۸). قرآن کریم، امانت و رهبری را «پیمان الهی» و مقامی «ضد ظلم» و توأم با عدل می داند و انسان اخلاقی را به عنوان «صاحب عدل» نام می برد (فروزنده دهکردی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). اساس حاکمیت و حکم و حکومت در قرآن ایجاد قسط و عدل در جامعه است. کثرت آیاتی که درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه وجود دارد؛ بیانگر اهمیت جایگاه این مفهوم در قرآن است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۵۲). بنابراین نگرش به عدالت طلبی و التزام به عدالت عاملی مهم شد و تعالی تلقی می شود. برقراری عدل و داد و عدالت ورزی و محو ستم و بی عدالتی در بستر جامعه از اولویت های اصلی در نظام اسلامی است.

۲-۶- بازشناسی زمینه های اجرای عدالت در نگاه کلی

بسیاری از مکاتب، تنها به شعار عدالت بسنده کرده و زمینه ها و معیارهای ظهور آن را در جامعه فراهم نکرده اند. هرچقدر زمینه های اجرایی نشدن عدالت در بستر جامعه فراهم شود. عدالت در قالب شعار به خود می گیرد و در عمل با موانع برخورد می کند. فقدان شاخص های مطلوب و معیارهای سنجش در حوزه های چندوجهی عدالت منجر به نرسیدن جامعه به عدالت پایدار می شود. با شناخت و بازشناسی عدالت در بستر نظام اسلام و همچنین نظام جمهوری اسلامی ایران و با رجوع به منابع و مآخذ غنی اسلامی، بهتر می توان زمینه اجرائی شدن عدالت را در جامعه محقق کرد. پیامدهای چنین فرآیندی به تحقق حکمرانی مطلوب منجر می شود.

۳-۶- اجرای عدالت در نظام حقوقی و قضائی

نخستین گام در تأسیس عدالت، وجود قانون صحیح و عادلانه است؛ قانونی که مصالح مادی و معنوی همه شهروندان را به طور یکسان تضمین کند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۰). بهترین وسیله برای استقرار عدالت، تأسیس نظام حقوقی و قضائی عادلانه است. از این رو «باید پذیرفت که از لحاظ نظری مفهوم عدالت در ماهیت حقوق وجود دارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۱۱). با قواعد حقوقی عادلانه می توان از ظلم و تعدی جلوگیری نموده و در صورت وقوع، آثار آنرا برطرف ساخت.

قضاوت در تفسیر قانون و انطباق آن با موضوعات پیش آمده اگر ارزیابی درستی از عدالت داشته باشند، می توانند رویه های قابل اعتماد و پایداری را باعث شوند (مدنی، ۱۳۷۰: ۶۰). عدالت کلی و مبنایی باید رکن اصلی و جدایی ناپذیر قانون تلقی شده، تا بتواند زمینه مشروعیت و اعتبار قانون را افزایش دهد. «منشأ الزام آوری قانون و مشروعیت آن است که برخی آن را در عدالت جستجو می کنند و قانون عادلانه را مشروع و الزام و قانون ناعادلانه را نامشروع و غیرالزامی می دانند. برخی عدالت را یکی از ارکان و عناصر قانون دانسته و اصول قانون را با این عنصر تعریف می کنند. عدالت حداقل معیار ارزیابی و مشروعیت قوانین است، پس قوانین ناعادلانه، قوانین نامشروع هستند (دانش پژوه، ۱۳۸۶: ۸۵). به عبارتی «عدالت، هدف نهایی و ارزش نخستین حقوق است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۱۳). در خصوص بازشناسی زمینه های اجرای عدالت و وجه التزام نظام

حقوقی و قضایی در راستای تحقق حکمرانی مطلوب به برخی از این اصول در چارچوب قوانین نظام ج.ا.ا اشاره می‌گردد:

- اصل اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری در اصل ۶۱ قانون اساسی می‌گوید: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد» (منصور، ۱۳۸۰: ۵۶).

- اصل مرجعیت رسمی دادگستری نسبت به تظلمات و همه شکایات، تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها به وسیله قانون.

- اصل نظارت بر محاکم وسیله دیوانعالی کشور و نظارت و کنترل دستگاه‌های اداری به وسیله سازمان بازرسی.

- اصل صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات از مأمورین، واحدهای آئین‌نامه‌ها و ابطال مصوبات خلاف قانون اساسی و موازین شرعی دولت.

- اصل تکلیف قاضی به حل و فصل دعاوی، که قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد باید با استناد به منافع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

- اصل وضع خاص رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد، نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۶۰).

- اصل لزوم رعایت موازین اسلامی در کلیه قوانین از جمله قوانین قضایی

- اصل برائت

- اصل علنی بودن محاکمات

- اصل لزوم رسیدگی به شکایات و تظلمات (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۲).

- ارتقاء توانمندی‌های افراد در دفاع از حقوق عادلانه خود

- تدوین مراحل ضمانت اجرای عادلانه حقوق در میان مردم (نبوی، ۱۳۹۱: ۴۶).

- قانون‌گرایی و اجرای عدالت

مقصود از قانون‌گرایی و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد جامعه می‌باشد. بنابراین جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌گرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شده و همه افراد جامعه در برابر قانون یکسان باشند. بنابراین «قانون‌گرایی در نظام سیاسی عدالت خواه یک ضرورت عینی است تا همگان از حکومت و ملت ضمن حرکت در قلمرو قانون از حرمت شکنی بپرهیزند» (سلیمی، ۱۳۸۴: ۷).

۴-۶- اجرای عدالت مبتنی بر قانون اساسی

در قانون اساسی ج.ا.ا از دیدگاه‌های متنوع و در موارد متعدد بر ضرورت رعایت عدالت، نفی ستمگری و سلطه‌پذیری و تحقق قسط و عدل و استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت تأکید شده است. «در متون قانون اساسی ده‌ها بار از مجموعه‌واژه‌های عادل (اصول ۵ و ۱۵۸ و ۱۶۲)، قسط و عدل (اصول ۲ و ۱۴۲)، عادلانه (اصل ۳)، حق (اصول ۲۹ و ۳۰)، شرایط مساوی (اصل ۲۸)، ریشه‌کن ساختن فقر و محرومیت (اصل ۴۲)، عدالت (اصل ۱۵۶) و نظایر آن استفاده شده است (منصور، ۱۳۸۰). از این رو در جای جای قانون اساسی، از ارزش‌هایی چون عدالت، برابری و مساوات، حمایت شده است.

۷- تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر متغیرهایی نظیر عدالت و فرایند اجرای آن و حکمرانی مطلوب مدنظر قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر این باور است که با التزام و اجرای صحیح عدالت (مبتنی بر قوانین و منابع و معارف اسلامی) در فضای سیاست‌گذاری عمومی کشور، زمینه‌های تحقق حکمرانی مطلوب حاصل می‌گردد. نظام حکمرانی در یک کشور هم می‌تواند عامل اصلی در رشد و توسعه بوده و هم در صورت ناکارآمدی می‌تواند در روند پیشرفت و رشد تأخیر و اخلال ایجاد کند. نظریات گوناگونی درباره نظام‌های حکمرانی مطرح شده است که هر کدام سعی کرده‌اند، الگویی را برای نظام حکمرانی مناسب پیشنهاد دهند. آنچه از تجربه این رویکردها به دست آمده است نشان می‌دهد برای رسیدن به الگوی مناسبی از حکمرانی بیش از آنکه گسترده و اندازه دولت

اهمیت داشته باشد، توانمندی، ظرفیت های آن و نوع نگاه فضای حکمرانی برای پاسخ به مسائل نقش مهمی ایفا می کند. حکمرانی فرایندی است که طی آن گروهی از مردم به نمایندگی از آنها تصمیم می گیرند و گروهی دیگر به نمایندگی از آنها و تحت نظارت آنها اجرا می کنند. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه وقتی از اجرای سیاست های تعدیل ساختاری مانند خصوصی سازی و مقررات زدایی ناامید شده اند؛ حکمرانی خوب را به عنوان تنها راه چاره ساز توسعه و پیشرفت اقتصادی خود دانسته و هر روز که می گذرد اهمیت آن بیشتر می شود (تدبیری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۸). نکته حائز اهمیت این است که امروزه مفهوم حکمرانی از مقیاس محلی تا مقیاس ملی و بین المللی به کاربرده می شود. به طور کلی حکمرانی رویکرد جدید اداره امور عمومی است و در قلمرو فرا ملی و محلی کاربرد گسترده ای دارد (زرقانی، احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۹). قطعاً تحقق حکمرانی مطلوب با همکاری و مشارکت مردم و دولت، هرچه بیشتر امکان پذیر می شود، چراکه دولت ها به دنبال افزایش همراهی بیشتر مردم با فرد می باشد. یکی از مهم ترین راه کارهای افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب های اجتماعی، افزایش مشارکت مردم در سیاست گذاری، تنظیم گری، اجرا و نظارت است. همراهی و مشارکت مردم و نهادهای مختلف اجتماعی در عرصه حکمرانی را نوعی حکمرانی مشارکتی می گویند. اجرای حکمرانی مشارکتی دست آوردهای مهمی برای جامعه و دولت به ارمغان می آورد. از جمله اجرای عدالت و وجه التزام به قوانین و مقررات و تقویت عدالت اجتماعی، منجر به کاهش تعارضات، افزایش اتحاد و هماهنگی بین مردم و دولت، کاهش تبعیض، کاهش فساد و کاهش تعارض منافع در جامعه می شود. قطعاً از جنبه های مادی و معنوی بین عدالت و حکمرانی ارتباط مستقیم وجود دارد. رویکرد به تحقق حکمرانی مطلوب بدون نگاه عادلانه و برابر میسر نخواهد شد. عدالت می تواند شاخص و معیار و مقیاس حکمرانی مطلوب قرار بگیرد. بی تردید عدالت و جایگاه آن را می توان، روح حاکم بر قانون اساسی تلقی کرد. چارچوب حکمرانی مطلوب باید طرح مباحث مهم اجرای عدالت در نظام حقوقی و قضائی کشور تبیین شود. قانون صحیح و عادلانه، نخستین گام در تأمین و اجرای عدالت می باشد. حکمرانی مطلوب باید مبتنی بر قانون باشد که مصالح و منافع مادی و معنوی همه اعضای جامعه را به طور یکسانی تضمین نماید. این نوع حکمرانی برای استقرار و اجرای عدالت باید بر پایه نظام حقوقی و قضائی کارآمد و عادلانه همت گمارد. در بستر جامعه و در ساختار حاکمیت،

بازسازی نظام قضائی کشور با رویکرد عدالت ورزی از مهم‌ترین پیش نیازهای حرکت به سوی تحقق حکمرانی مطلوب است. از این رو با تحقق شاخص عدالت و قانون گرایی در نظام قضائی و حقوقی، به عنوان سیاست گذاری مبتنی بر عدالت ورزی، زمینه‌های توسعه همه جانبه حاصل می‌آید. هم چنین راهبردهائی نظیر راهبرد عدالت اجتماعی در بستر حکمرانی مطلوب می‌تواند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. از این رو باید عدالت اجتماعی در حکمرانی مطلوب در جایگاه کلان‌ترین راهبرد تمامی عرصه‌های اجتماعی قرار بگیرد. به نظر می‌رسد محوریت راهبرد عدالت ورزی و از جمله عدالت اجتماعی در حکمرانی مطلوب در آغاز راه، همان بررسی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و چگونگی رشد و تکامل عدالت در بستر جامعه می‌باشد.

بنابراین تغییر رویکرد به اجرای عدالت و وجه التزام به آن از سوی حاکمیت و محور قراردادن اجرای عدالت منجر به تحقق حکمرانی مطلوب می‌شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر آن بود که با طرح بحث تحلیلی بر تأثیر عدالت ورزی بر تحقق حکمرانی مطلوب، تصویر کلی از فرایند اجرای عدالت در نظام حقوقی و قضائی را بررسی نماید. در این پژوهش اشاره شد که از مؤلفه های اساسی حکمرانی مطلوب همان تحقق عدالت در جامعه است، با شناخت و بازشناسی فلسفه عدالت و از جمله با تعیین عدالت اجتماعی، می‌توان حکمرانی مطلوب را اعمال نمود.

برخی از مؤلفه های حکمرانی مطلوب عبارتند از: عملکرد صحیح و مبتنی بر مسئولیت پذیری مستمر و مداوم، قبول اصل همیشه پاسخگو بودن در همه زمینه ها و سطوح جامع، مشروعیت آفرینی مبتنی بر قبول اصل حکمرانی مشارکتی بین مردم و دولت، داشتن خط مشی عقلانی برای ارائه خدمات عمومی و گسترده، داشتن اندیشه عدالت توزیعی در سراسر جامعه، اعتقاد راسخ داشتن به قوانین، ظرفیت سازی در همه زمینه های اجتماعی، از این رو با بازشناسی زمینه های اجرای عدالت و تدوین معیارهای حقوقی عادلانه و تقنین قانون صحیح و عادلانه در عرصه های اجتماعی و یا تأمین عدالت در فضای سیاستگذاری کشور زمینه های تحقق حکمرانی مطلوب فراهم می‌آید.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱). عدالت در نظام سیاسی، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- افلاطون (۱۳۹۰). جمهوریت، ترجمه فواد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، تحقیقات جغرافیایی، ۲۲ (۱).
- امام جمعه‌زاده، سید جواد؛ شهرام نیا، امیرمسعود؛ صفریانی، روح الله همکاران (۱۳۹۵). الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه، علوم سیاسی، ۹ (۳۶)، ۷-۴۰.
- جوادی آملی (۱۳۸۱). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، قم: انتشارات اسراء.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۸۶). تأملی در رابطه حقوق و عدالت با تأکید بر حقوق اسلام، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۷ (۲۶)، ۸۵-۱۲۰.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، تحقیقات حقوقی، ۱۰ (۴۰).
- زاهدی، شمس السادات؛ ابراهیم پور، حبیب (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری، تهران: نشر شمس.
- زرقانی، سیدهادی؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۶). حکمرانی خوب در دولت های محلی، تمرکز زدایی، دولت پژوهی، ۵ (۱۹).
- سلیمی، عبدالکریم (۱۳۸۴). راهکارهای تأمین عدالت، کتاب نقد، ۳۷، ۴۱-۵۴.
- سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۵). مبانی عدالت اجتماعی، تهران: نشر الگوی پیشرفت.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶). حقوق اساسی و ساختار حکومت ج.ا.ا، ج ۲۸، تهران: انتشارات اطلاعات.
- صفریان، روح‌اله؛ امام جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۶). الگوی حکمرانی خوب، سریال اجتماعی و توسعه‌ی همه جانبه، دولت پژوهی، ۳ (۱۲)، ۱۳۷-۱۷۳.
- صلیبا، حمیل (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی، ترجمه منوچهر صانع دربیدی، تهران: انتشارات حکمت.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: انتشارات قوس.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.
- فروزنده دهکردی، لطف اله (۱۳۹۴). ارزیابی و انتخاب کارکنان بر اساس معیارهای اسلامی، کتاب مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: ناشر الگوی پیشرفت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). گامی به سوی عدالت، ج ۱، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- مدنی، سیدجمال الدین (۱۳۷۰). مبانی و کلیات علم حقوق، تهران: نشر همراه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۰). قانون اساسی، تهران: نشر دیدار.
- نبوی، سید عباس (۱۳۹۳). جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی عدالت دبیرخانه نشست.
- یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاستگذاری عمومی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲(۴)، ۱۰۹-۱۴۲.

